

## بسم الله الرحمن الرحيم!

### روی آوردن مسلمانان به نصرانیت برای به دست آوردن تابعیت در هند

(ترجمه)

#### خبر

در 23 جولای سال 2020 میلادی روزنامه اقتصادی تایمز گزارش داد که تصویب قانون تعدیل شهروندی توسط پارلمان هند که به غیرمسلمانان از افغانستان، پاکستان و بنگلادیش اجازه می دهد تابعیت هند را به دست آورند، باعث شده که بسیاری مسلمانان از افغانستان و برما (میانمار) برای دریافت تابعیت در این کشور به روی آوردن به نصرانیت متوسل شوند. براساس اطلاعات رسمی، 150 تا 160,000 مسلمان افغان در دهلی زندگی می کنند که عمدتاً در شرق کیلاش، لجاتنگار، آشوکنگار و اشرام زندگی می کنند. چنان که تقریباً 40,000 مسلمان روهینگیا در سراسر هند وجود دارند که بیشترین تعداد آن ها در جامو و کشمیر متمرکز است. تعداد زیادی از این مهاجران قبل از سال 2012 در هند زندگی می کردند و اکنون با ادعای نصرانی خود ادعا می کنند که اهل بنگلادیش هستند. چنان که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مهاجرت به سوی کانادا و اروپا را یکی از اسبابی در نظر گرفته که باعث این تحولات می گردد.

#### تبصره

خبر روی آوردن مسلمانان به نصرانیت جهت جلوگیری از آزار و شکنجه توسط کفار، برای حاکمان مسلمان و ارتش آن ها به صورت خصوص و برای مسلمانان به طور عموم شرم آور است. هر روزی که می گذرد، نیاز به خلافت بیش تر و بزرگ تر می گردد و نبود آن باعث شده تا دشمنان اسلام، فرزندان و دختران امت را از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب مورد آزار و اذیت و کشتن قرار دهند. در این اواخر حتی سرزمین های هم پیمان، ناقص و غیراسلامی را تشویق کرده تا درجه ای نفرت علیه اسلام و مسلمانان را بلند برده تا حقوق شهروندی مسلمانان را به چالش بکشند، املاک آن ها را غارت کنند، اماکن عبادت آنان را نابود کنند، زنان مسلمان را مسخره کنند و مردان را بدون محاکمه اعدام نمایند. این امر برخی از مسلمانان را مجبور کرده است که برای زنده ماندن، از دین خود خارج شده و به نصرانیت یا هندوئیسم وارد شوند و از عکس العمل در مورد مذهب اسلامی که اکثریت از آن نفرت دارند، اجتناب کنند.

تمرکز هند در اعطای تابعیت به مردم افغانستان مربوط به علاقه ژئوپلیتیک هند در منطقه است. با این حال، تمایل به دست آوردن این تابعیت تا حد زیادی برای مسلمانان روهینگیا وجود ندارد و این به دلیل عدم وجود چنین منافع ژئوپلیتیکی یا دیپلماتیک در برما یا آسیای شرقی است. توجه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد تابعیت اقلیت های نژادی زیر ظلم، در مقایسه با آزار و اذیت های که به خاطر مسلمان بودن تحت آن قرار گرفته و نصرانی می گردند، نگران کننده تر به نظر می رسد! اگر حتی ذره از آن چه آن ها «حقوق بشر» می نامند وجود می داشت حالا بحران روهینگیا از اساس وجود نمی داشت.

پاسخ حاکمان مسلمان به آزار و اذیت مسلمانان در برما، هند، سوریه، یمن، افغانستان، آفریقا و سایر سرزمین ها، با قدرت زیاد و ارتش نامعلوم است و ما نمی بینیم که آن ها کاری فراتر از کلمات انجام دهند! آن ها برای حمله به این مجرمان گزینه نظامی،

گزینه‌های اقتصادی برای تحمیل تحریم نفتی، گزینه‌های دیپلماتیک برای بستن مسیرهای دریایی و هوایی استراتژیک خود و وسایل دیگر برای فشار آوردن به این کشورهای متخاصم برای پایان دادن به آزار و اذیت دارند؛ اما آن‌ها مشتاق‌اند تا ارباب استعماری خود را حتی به قیمت غضب خدا و رسولش ﷺ و مؤمنان خوش حال کنند. چنین واکنشی از طرف حاکمان مسلمان به ظالمان اجازه داده است تا با آزار و اذیت بیش‌تر ادامه دهند.

تابعیت در اسلام برای هر فرد از هر دین و نژادی که مایل به زندگی تحت حاکمیت شریعت باشد، اصل ثابتی دارد. فراهم ساختن حق غذا، پوشاک و سرپناه و وظیفه خلیفه برای هر یک از دارنده‌گان تابعیت؛ اعم از مسلمان یا غیرمسلمان می‌باشد؛ زیرا پیامبر ﷺ فرمودند:

«لَيْسَ لِابْنِ آدَمَ حَقٌّ فِي سِوَى هَذِهِ الْخِصَالِ بَيْتٌ يَسْكُنُهُ وَتَوْبٌ يُؤَارِي عَوْرَتَهُ وَجِلْفُ الْخُبْزِ وَالْمَاءِ» [ترمذی، حدیث حسن صحیح]

**ترجمه:** فرزند آدم غیر از این موارد، حاجت اصلی دیگری ندارد. خانه‌ای که در آن سکونت کند، جامه‌ای که عورتش را بپوشاند و پاره نان و آبی. متأسفانه، مسلمانان سیستم حاکمیت اسلامی را ترک کردند و سکولاریسم آنان را اغوا کرد، به حدی که به جای حذف ظلم از سرزمین، خودشان در معرض ظلم و ستم قرار گرفتند و ما باید درک کنیم که صحابه امپراتوری‌های روم و فارس را نه با دموکراسی یا سکولاریسم؛ بلکه با اتخاذ نظام سیاسی اسلام؛ یعنی خلافت و پیروی از سیاست خارجی اسلام؛ یعنی دعوت و جهاد آنان را فروتن ساختند.

ما از ارتش‌های مسلمانان می‌خواهیم که با تأسیس خلافت بر منهج نبوت، به این همه آزارها پایان دهند؛ هم‌چنین به برادران و خواهران خود که به چنین میزان ناامیدی متوسل می‌شوند، توصیه می‌کنیم که صبور باشند و از جانب الله سبحانه و تعالی پاداش و گشایش برای‌شان خواهد رسید. زندگی در این جهان ابتلاء و آزمایش است و همه ما در آزمایش‌ها و ابتلاء‌های مختلفی زندگی می‌کنیم؛ همان‌طوری که الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم فرموده است:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [ملک: 2]

**ترجمه:** همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید که کدام‌تان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود.

الله سبحانه و تعالی هم‌چنین در قرآن کریم به ما می‌گوید که نسل‌های گذشته مورد آزار و اذیت فراوان قرار گرفته‌اند، تا جایی که پیامبران و یاران‌شان گفتند: ﴿مَتَى نَصْرُ اللَّهِ﴾؛ پس یاری الله سبحانه و تعالی کی (و کجا) است؟! و ما می‌گوئیم آن چه را که الله سبحانه و تعالی گفته است: ﴿أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾؛ بی‌گمان یاری الله سبحانه و تعالی نزدیک است.

نویسنده: د. احمد ابویوسف

مترجم: احمد صادق امین